

## آثار انتخاب نظریه وحدت یا تعدد مسئولیت مدنی بر تشریفات دعاوی خسارت در حقوق ایران و فرانسه

سعید فرزانه،<sup>۱</sup> علی عباس حیاتی<sup>۲</sup>

پذیرش مقاله: 1399/10/08

دریافت مقاله: 1399/10/07

### چکیده

دو دیدگاه حقوقی درباره موضوع مسئولیت مدنی وجود دارد: تعدد یا وحدت. در دیدگاه تعدد، مسئولیت مدنی به دو بخش قراردادی و قهری تقسیم می‌شود، اما در بخش وحدت، هر دو نوع مسئولیت مدنی یکسان در نظر گرفته می‌شوند. در این پژوهش آثار به‌کارگیری نظریه تعدد در تشریفات رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ضمن مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه انجام شده است. به‌طور کلی نظریه تعدد، مسئولیت مدنی را تقویت می‌کند. هدف دعاوی مسئولیت مدنی مرتبط با قراردادها، بیشتر الزام به اجرای کامل تعهد است و برای آن ضمانت‌هایی همچون حبس کالا و تعلیق تعهدات پیش‌بینی شده است، اما در دعاوی مسئولیت مدنی قهری، جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از عمل زیان‌بار مورد بحث است. با توجه به تفاوت‌های ماهوی، تشریفات رسیدگی به هر دو نوع مسئولیت مدنی متفاوت است. حقوق فرانسه ضمن اتفاق نظر با حقوق کشورمان در مورد وضعیت تفکیک مسئولیت مدنی، در رسیدگی به دعاوی مرتبط، با انسجام بهتری عمل کرده است.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت قهری، مسئولیت قراردادی، وحدت مسئولیت مدنی، تعدد مسئولیت مدنی، تشریفات رسیدگی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری، حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران / [aliahayati@yahoo.com](mailto:aliahayati@yahoo.com) (نویسنده مسئول)

## مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین مسائل اجتماعی مرتبط به رفتار فردی، مسئولیت‌پذیری است. منظور از مسئولیت‌پذیری آن است که فرد در مقابل عمل انجام‌شده‌اش، پاسخ‌گو بوده و بتواند از آن دفاع کند. در صورتی که توجیه عمل نامطلوب انجام‌شده، کافی نباشد، آن فرد خاطی شناخته می‌شود و ملزم به جبران اثر سوء عمل خویش است. اهمیت مسئولیت‌پذیری تا بدان‌جاست که در کتب علوم اجتماعی مقاطع ابتدایی و متوسطه، دانش‌آموزان را با مفهوم مسئولیت‌پذیری آشنا می‌کنند تا بتوان اهمیت این مقوله مهم را برای افرادی روشن کرد که در آینده اجتماعی نقش داشته و ممکن است بخش مهمی از مسئولیت مملکت بر دوش آنان قرار گیرد؛ از این‌رو بیان مکرر مسئولیت و مسئولیت‌پذیری برای دانش‌آموزان اهمیت دارد و در تمام مقاطع آموزشی باید بدان توجه کرد.

در فلسفه حقوق نیز مسئولیت جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از راهکارهای اجرای عدالت دقیق، مسئولیت‌پذیری است و این مهم در منابع حقوقی موقعیت خاصی به خود گرفته است. قانون‌گذار در قانون مدنی مصوب 1316 و قانون مسئولیت مدنی مصوب 1339، بر مبنای تعالیم فقهی، بحث مسئولیت مدنی را پیش کشیده است و خاطی را به جبران اثر سوء عمل خود ملزم می‌کند. این بحث مهم حقوقی در قوانین مختلف بازتاب یافته و مسئولیت مدنی به صورت عرف عمومی حقوقی، پذیرفته شده است. ممکن است فرد خطاهای مختلفی انجام دهد و در چند نوبت مستوجب جبران خسارت شود. گاه جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی به مسائل کیفری نیز مرتبط است؛ برای مثال، در یک تصادف رانندگی، با وجود آنکه پرداخت دیه به موجب قوانین کیفری کشور و با رسیدگی دادگاه‌های کیفری انجام می‌شود، برای خاطی مستوجب مسئولیت است.

به‌طور کلی می‌توان مسئولیت مدنی را به دو بحث گسترده شامل مسئولیت مدنی قراردادی و قهری تقسیم کرد. مبحث قراردادهای، بخش بزرگی از منابع فقهی و حقوقی را در بر گرفته است و در حیطه حقوق خصوصی جای دارد؛ از این‌رو هرگونه قصور در اجرای تعهدات قراردادی، مستوجب مسئولیت مدنی است و به همین جهت، بیشتر حقوق‌دانان تقسیم‌بندی قراردادی و غیرقراردادی را در مورد مسئولیت مدنی انجام داده‌اند. در مقابل، عده دیگری از حقوق‌دانان قائل به چنین تقسیم‌بندی نبوده و به وحدت مسئولیت مدنی معتقدند.

آنچه در نظام قضایی کنونی به صورت عرفی پذیرفته شده است، تعدد مسئولیت مدنی است. رسیدگی به دعاوی مرتبط در دو حوزه قراردادی و قهری با هم تفاوت دارند، اما با توجه به نظریه وحدت مسئولیت مدنی، می‌توان آثار اجرای این عقیده را بر تشریفات حقوقی نظام قضایی بررسی کرد که این پژوهش به آن پرداخته است. با توجه به اینکه سابقه قانون‌گذاری در فرانسه مشهور است و حتی قانون مدنی کشورمان نیز تا حدی بر اساس الگوی این کشور اروپایی نگاشته شده است، پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار نظریه تعدد مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه، با روش تحلیلی - توصیفی به تحقیق پرداخته است. چنین به نظر می‌رسد که منابع حقوقی مسئولیت مدنی، با در نظر گرفتن نظریه وحدت رویه نگاشته شده‌اند و در عین حال حقوق عرفی، تعدد مسئولیت مدنی را پذیرفته است. با توجه به عمومیت منابع حقوقی می‌توان نظریه وحدت را اجرا کرد که تأثیر مثبتی در کاهش زحمت قوه قضاییه در فرایند دادرسی‌های متنوع دارد و در عین حال انتقادهایی نیز آن وارد است.

### 1. مسئولیت مدنی

مسئولیت در لغت به معنی موظف‌بودن به انجام امری (معین، 1396: 45)، تعهد و مؤاخذه (دهخدا، 1395: 43) و سرپرستی (عمید، 1395: 32) آمده است. مدنی نیز در لغت به معنای جامعه متمدن (عمید، 1395: 432)، منتسب به مدینه (دهخدا، 1396: 54) و مسائل شهری (معین، 1396: 43) است. در اصلاح حقوقی، مسئولیت مدنی ظاهراً ترجمه اصطلاح فرانسوی *Responsabilite Civile* و عبارت است از الزام عامل ورود زیان به جبران ضرری که در نتیجه عمل وی به زیان دیده وارد شده است (ستارک<sup>1</sup>، 1973: 54).

#### 1-1. منابع حقوقی مسئولیت مدنی

مهم‌ترین منبع حقوقی مرتبط با مسئولیت مدنی، قانون مدنی است. قدمت این قانون به نسبت دیگر قوانین بیشتر بوده و فراگیری آن مورد تأیید حقوق‌دانان است. در این منبع حقوقی مهم، طی فصل‌های مختلف به بحث در مورد حقوق افراد در بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی پرداخته شده است؛ برای مثال، روابط زوجین در یکی از بخش‌های آن آمده است که حقوق و تکالیف طرفین را در روابط زوجیت تشریح می‌کند و برای تخطی از هر وظیفه، مسئولیت مدنی تعریف شده است.

1. Starck

بخش دیگری از قانون مدنی به بحث قراردادهای پرداخته و ضمن برشمردن حقوق طرفین در یک قرارداد، برای نقض‌کننده تعهدات، مسئولیت مدنی قائل شده است. با توجه به وسعت قانون مدنی، از بحث بیشتر در این مورد پرهیز شده و تنها چنین عنوان می‌شود که این منبع حقوقی از قدیمی‌ترین و معتبرترین منابع حقوقی مرتبط با مسئولیت مدنی است که دیگر قوانین باید بر پایه آن مصوب شوند. در سال 1339 قانون دیگری با نام قانون مسئولیت مدنی مشتمل بر شانزده ماده به تصویب مجلسین رسید و هم‌اکنون نیز دارای اعتبار است. به موجب ماده یکم این قانون: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». این اصل مهم، تعریف مسئولیت مدنی را بیان می‌دارد.

در ماده دوم، در مورد خسارت معنوی بحث شده است. در موردی که عمل واردکننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌کند و چنانچه عمل واردکننده زیان تنها موجب یکی از خسارت‌های مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خسارت‌هایی که وارد کرده است، محکوم خواهد کرد. ماده دوم شباهت ویژه‌ای با کامن‌لا دارد. تعیین دقیق خسارت معنوی تقریباً غیرممکن است.

به موجب ماده سوم، دادگاه میزان زیان، روش و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. جبران زیان را نمی‌توان به صورت مستمری تعیین کرد؛ مگر آنکه مدیون، تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز کند.

در تعمیم مسئولیت مدنی به دولت که خود نهادی حقوقی است، ماده یازدهم بیان داشته است اگر کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسه‌های وابسته به آن‌ها به مناسبت انجام وظیفه، عامدانه یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارت‌های خاصی را وارد کنند، به‌شخصه مسئول جبران خسارت هستند، ولی هرگاه خسارت‌های وارده مستند به عمل آنان نباشد و به نقص وسایل اداره‌ها و مؤسسه‌ها مرتبط باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است. در مورد اعمال حاکمیت دولت نیز هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

مسئله دفاع از خود که یکی از تعبیرات حقوقی در تبدیل قتل عمل به غیر عمد است، در همین قانون مورد استناد قرار گرفته است. به موجب ماده پانزدهم، کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت‌های بدنی یا مالی شخص دیگری شود، مسئول خسارت نیست؛ مشروط بر اینکه خسارت وارده برحسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

## 2-1. انواع مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در معنای عام شامل مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد (قهری) است. در واقع عنصر قرارداد نقش مهمی در تقسیم‌بندی مسئولیت مدنی دارد. آیه شریفه «یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید» (مائده: 5)، مبنای تفسیرهای فقهی مرتبط با عقود و قراردادهاست. با توجه به وسعت مبحث قراردادها، از بحث بیشتر در این زمینه خودداری می‌کنیم و تنها به این نکته اشاره می‌شود که تعهد، مهم‌ترین اثر یک قرارداد است؛ از این رو مسئولیت مدنی بر همین مبنا به دو بخش تقسیم قراردادی و قهری تقسیم شده است.

قانون مسئولیت مدنی به پیروی از قانون مدنی فرانسه، مسئولیت قراردادی را از مسئولیت قهری تفکیک کرده و به هریک مبحث جداگانه‌ای را اختصاص داده است. قواعد مسئولیت مدنی قراردادی در مبحث دوم فصل سوم باب «عقود و تعهدات به‌طور کلی» در مواد 226 تا 230 قانون مسئولیت مدنی ذیل عنوان «در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات» آمده است؛ اما قواعد مسئولیت مدنی غیرقراردادی در دو مبحث اتلاف و تسبیب در مواد 328 تا 335 همان قانون آمده‌اند. در قانون مدنی فرانسه نیز مواد 1231 تا 1239 به مسئولیت قراردادی اختصاص یافته‌اند و مواد 1240 تا 1302 به مسئولیت خارج از قرارداد پرداخته‌اند (بزرگمهر، 1395: 56). تقسیم‌بندی اولیه مسئولیت مدنی به دو بخش قراردادی و غیرقراردادی، نخستین وجه اشتراک حقوق ایران و فرانسه است. هر دو نظام حقوقی، به اهمیت تأثیر قراردادها بر مسئولیت افراد پی برده‌اند و آن را در منابع حقوقی خود بازتاب داده‌اند. این تقسیم‌بندی با فقه اسلامی تناقضی ندارد و می‌تواند بازتاب‌دهنده آن باشد.

در صورتی که بین اشخاصی در قالب فرد یا گروه، قراردادی منعقد شود و در آن فرد یا افرادی به طرف دوم قرارداد، خسارتی وارد کنند یا در اجرای قرارداد وقفه بیاندازند، در صورتی که تحقق این زیان وارده اثبات شود، مسئولیت قراردادی به وجود می‌آید، اما در شرایط عکس این حالت و در

صورت عدم احراز موارد و تردید، اصل بر مسئولیت قهری است. در واقع مسئولیت قهری، تکلیف به جبران خسارتی است که بدون رابطه‌ای قراردادی ایجاد شده است (بزرگمهر، 1395).

## 2. وحدت مسئولیت مدنی

مسئله وحدت یا تعدد مسئولیت قراردادی و قهری از مباحث نظری بااهمیتی است که البته آثار حقوقی مهمی نیز دارد. این موضوع در همه مباحث مسئولیت مدنی اهمیت خود را نشان داده است؛ از جمله در تعیین حدود و دامنه مسئولیت، در میزان خسارت قابل جبران، در اثبات تقصیر زیان‌دیده و در تشریفات مطالبه خسارت مانند موضوع و سبب خواسته، مطالبه رسمی، دادگاه صالح، مرور زمان، قانون حاکم و غیره؛ بنابراین پذیرفتن وحدت یا تعدد مسئولیت قراردادی و قهری، موجب جریان قواعد متفاوت و خاص آیین دادرسی، تعارض قوانین، قوانین حاکم و محاکم صالح می‌شود. درباره وحدت یا تعدد مسئولیت قراردادی و قهری، دو دیدگاه عمده وجود دارد که به طرفداران وحدت و تعدد معروف هستند.

### 2-1- دیدگاه طرفداران تعدد مسئولیت قراردادی و قهری

بر اساس نظر این گروه، مسئولیت قراردادی در عناصر ذیل، با مسئولیت قهری تفاوت و تمایز دارند:

#### 2-1-1- تفاوت در هدف

طرفداران تعدد مسئولیت معتقدند قرارداد برای افزایش و توسعه اقتصادی طرفین تشکیل می‌شود و ویژگی مسئولیت قراردادی سازنده، درآمدزا و ارادی بودن است؛ از این رو هدف در مسئولیت قراردادی، حفظ و صیانت و پیشرفت و توسعه اموال طرفین است، ولی هدف در مسئولیت قهری حفظ و صیانت از اموال موجود جامعه، تأمین نظم عمومی و جلوگیری از اضرار به افراد جامعه و تضمین آزادی شهروندان است (اسمین<sup>1</sup>، 1953: 160).

#### 2-1-2- تفاوت در مبنا و منبع مسئولیت

در مسئولیت قهری، زیان‌دیده به‌عنوان فرد در جامعه دچار خسارت شده و از آنجاکه همه افراد جامعه دارای حق هستند و باید جان و مال‌شان مورد احترام باشد، بر اساس قانون، عامل ورود زیان ملزم به

جبران خسارت است؛ ولی اساس مسئولیت قراردادی بر نقض تعهد و احترام به اراده طرفین است که برای فرد مسئولیت ایجاد می‌کند و ریشه و مبنای جبران خسارت، حاکمیت اراده و قرارداد است. در واقع ریشه و سازنده تعهد ناشی از قرارداد، اراده انشایی است و ریشه مسئولیت قهری، قانون است (کاتوزیان، 1374: 114).

### 3-1-2. تفاوت در قلمرو و اراده

برخی از طرفداران این نظریه معتقدند ماهیت این دو مسئولیت متفاوت است و این تفاوت به قلمرو اراده متعاقبین و اراده قانون‌گذار برمی‌گردد. در مسئولیت قراردادی، مسئولیت بیشتر ناظر بر محرومیت از منافع است، در حالی که در مسئولیت قهری، مسئولیت بیشتر ناظر بر تلف مال موجود است (وحدتی شبیری، 1385: 217-215).

### 3-2. دیدگاه طرفداران نظریه وحدت

گروهی از حقوق‌دانان معتقدند ماهیت، مبنا و منبع مسئولیت مدنی قراردادی و قهری واحد است، زیرا مسئولیت قراردادی به اراده و تراضی طرفین مربوط نیست بلکه مبنای آن نقض عهد است و به قانون برمی‌گردد؛ در واقع ماهیت هر دو وظیفه و تکلیف قانونی جبران زیان وارده به زیان‌دیده است و هر دو از قانون برمی‌خیزد که در مسئولیت غیرقراردادی مستقیم و بدون واسطه و در مسئولیت قراردادی غیرمستقیم و با واسطه، قرارداد و همکاری اراده دو طرف از قانون زاییده می‌شود (شهیدی، 1386: 33)؛ بنابراین ضمان ناشی از انجام‌ندادن تعهدات قرارداد نیز نوعی مسئولیت مدنی است و با الزام‌های خارج از قرارداد چندان قرابت دارد که می‌توان هر دو را زیر یک مجموعه بررسی کرد (کاتوزیان 1386: 123).

صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهایی که درباره وحدت یا تعدد مسئولیت قراردادی و قهری بیان شده است، به نظر می‌رسد به‌رغم یکسانی این دو نوع در ماهیت و ارکان تحقق مسئولیت، تفکیک‌شان از نظر عملی در زمینه تشریفات مطالبه خسارت، بسیار بااهمیت است. در این تحقیق، تفاوت‌های مسئولیت قراردادی و قهری در موضوع و سبب خواسته، قواعد درباره مرور زمان، صلاحیت ذاتی و محلی مراجع رسیدگی‌کننده به این دعاوی، مطالبه رسمی، تعارض در قوانین داخلی و قانون حاکم و ادله اثبات دعاوی و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

### 3-2. ثبوت مسئولیت مدنی

معمولاً در قراردادهای ضمانت‌هایی برای حُسن انجام تعهدات در نظر گرفته می‌شود. بر همین اساس، می‌توان عمده اختلاف‌های موجود در قراردادها را بدون مراجعه به دادگستری حل و فصل کرد. قانون مدنی نیز تهاتر تعهدات را به رسمیت شناخته است، ولی در نهایت الزام به اجرای دقیق تعهدات را خواستار است. قراردادی که مبتنی بر اصول حقوقی نگاشته شده باشد، منبعی حقوقی برای تفسیر تعهدات است و قانون مدنی طرفین را به اجرای تعهدات فرامی‌خواند. جبران خسارت ناشی از اجرائشدن دقیق تعهد - حتی در صورت بیان این ماده در قرارداد و دریافت ضمانت لازم - ممکن است، ولی خارج از آن معمولاً قابلیت اجرا ندارد.

قانون مسئولیت مدنی مصوب 1339 شرایط عمومی جبران خسارت را برشمرده است که اگر مبنا قرار داده شود، شخصی که در اجرای تعهدات قصور کرده است، باید علاوه بر اجرای تعهدات، به جبران خسارت مادی و معنوی نیز محکوم شود. این مورد در چند مثال حقوقی مشاهده شده است، اما نکته قابل توجه این است که تنها در مواردی که اثر نامطلوب عمل نکردن به تعهدات بسیار شدید بوده است، و خسارت وارده مستقیم به آن وابسته باشد، می‌تواند مستوجب جبران خسارت توسط خاطی شود، اما به طور معمول، چنین محکومیتی انجام نشده است و اجرای آن برای تمامی دعاوی مرتبط با قراردادهای، در عمل از توان قوه قضاییه خارج است؛ از این رو به صورت عادی و حکم اولی، چنین برداشت شده است که اگر قرارداد جزء عقد صحیح و نافذ باشد، منبع حقوقی لحاظ می‌شود؛ در غیر این صورت مسئولیتی خارج از عمل به تعهدات برای خاطی وجود ندارد. در نهایت اگر آثار منفی عمل نکردن به تعهدات شدید باشد، می‌توان مسئولیت مدنی را برای خاطی برشمرد (شهیدی، 1386: 65).

در مورد مسئولیت مدنی قهری - در صورت امکان - تنها «مورد خسارت دیده» دوباره تهیه می‌شود، ولی در صورت عدم امکان، خسارت مالی پرداخت می‌شود. خسارت‌های معنوی نیز به موجب مواد اولیه قانون مسئولیت مدنی به رسمیت شناخته شده است و در صورتی که ارتباط خسارت معنوی با خطای قهری به اثبات رسد، می‌توان برای آن خسارت مالی تعیین کرد. در چنین مواردی، از آنجاکه طرفین به صورت قهری و غیرارادی به چنین مسئله‌ای ورود کرده‌اند، تلاش برای رضایت طرفین سخت‌تر است و معمولاً به نظر کارشناسان مراجعه می‌شود؛ این در حالی است که در



مسائل قراردادی، معمولاً مرجع حل اختلاف ذکر شده، و برای اجرای دقیق تعهدات نیز ضمانت‌هایی دریافت می‌شود. در واقع در یک قرارداد، طرفین ابتدا احتمال بروز اختلاف‌ها را داده و تدابیری برای آن اندیشیده‌اند، اما در مسائل قهری، طرفین ممکن است بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای، ناگهان درگیر اختلاف‌هایی شوند که برای حل آن آمادگی لازم را ندارند (شهیدی، 1386: 65). بر این اساس، می‌توان حکم اولی مسئولیت مدنی را تقسیم‌شده به دو بخش قراردادی و قهری دانست و در شرایط خاص، نظریه وحدت را معتبر خواند. این مسئله در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه به رسمیت شناخته شده و در قانون بازتاب یافته است.

### 3. خواسته در دعاوی مسئولیت قراردادی و قهری

در دعاوی خسارت، زیان‌دیده می‌تواند بر اساس موضوع اختلاف دو نوع خواسته از دادگاه داشته باشد. نخست درخواست جلوگیری از شروع یا تکرار انجام عمل زیان‌باری که احتمال ورود ضرر در آینده وجود دارد؛ به عبارت دیگر در جایی که بیم تحمیل ضرر وجود دارد، باید طوری عمل کرد که از وقوع آن جلوگیری شود. در واقع هدف این است که منتظر ورود خسارت نبوده و طبق اصل احتیاط، مسئولیت مدنی مدرنی ایجاد شود که به آینده نظر دارد (حیاتی، 1393: 185).

دوم این است که خواهان به دنبال جبران خسارتی بوده که در گذشته وارد شده است که در اینجا قاضی بر اساس خواسته، وارد رسیدگی می‌شود. در دعاوی مسئولیت مدنی، در صورت اعتقاد به تعدد مسئولیت مدنی، نوع خواسته‌ها از این جهت که زیان وارده بر اموال، تمامیت جسمانی یا سرمایه معنوی باشد، متفاوت خواهد بود و در جریان قواعد و تشریفات دادرسی، حدود اختیار قاضی، اعمال قوانین حاکم و صلاحیت‌ها، میزان برآورد خسارت و نوع محکومیت خواندگان در فرض تعدد و غیره مؤثر خواهد بود.

#### 3-1. خواسته دعاوی در مسئولیت قراردادی

در فرضی که متعهد، تعهد قراردادی را ایفا نمی‌کند، متعهدله می‌تواند واکنش‌های گوناگونی نسبت به نقض عهد صورت‌گرفته توسط متعهد انجام دهد. جبران خسارت یکی از واکنش‌های موجود علیه متعهد است که می‌تواند در کنار دیگر واکنش‌ها مانند الزام به انجام تعهد، اعمال حق فسخ، حق حبس و حق تقلیل ثمن علیه متعهد، مطالبه شود (رنجبر، 1395: 133).

برخی از این خواسته‌ها مانند «فسخ قرارداد، مطالبه خسارت به دلیل از دست دادن معامله» و «الزام به ایفای تعهد، تقلیل ثمن معامله» با هم قابل جمع هستند و پاره‌ای از آن‌ها مانند «فسخ قرارداد و الزام به انجام تعهد» با هم سازگار نبوده و قابل جمع نیستند.

دعوی الزام به ایفای تعهد هرچند جزء دعاوی خسارت و مسئولیت مدنی محسوب نمی‌شود و مهم‌ترین ضمانت‌اجرا در قراردادها به شمار نمی‌آید؛ اما این دعوی می‌تواند از ورود خسارت در آینده جلوگیری کند؛ از این رو مادام که امکان اجرای تعهد موجود است، بر سایر ضمانت‌اجراها برتری دارد (داراب‌پور، 1379: 30).

بر اساس ماده 515 قانون آیین دادرسی مدنی مصوب 1379، در فرض عدم اجرای تعهد قراردادی توسط متعهد، متعهدله می‌تواند مطالبه خسارت کند. اگر موضوع تعهد از جمله تعهداتی باشد که تعدد مطلوب بوده و در هر زمانی قابل انجام باشد، متعهدله می‌تواند ضمن الزام متعهد به انجام تعهد، خسارت ناشی از تأخیر در اجرای تعهد را مطالبه کند؛ اما اگر تعهد، وحدت مطلب داشته و تنها در همان زمان تعیین شده برای متعهدله مطلوب بوده است، در صورت عدم انجام تعهد، متعهدله صرفاً حق مطالبه خسارت ناشی از انجام ندادن تعهد را دارد، زیرا با انجام ندادن تعهد، قرارداد منحل می‌شود (حیاتی، 1392: 401).

اگر موضوع تعهد، پرداخت مبلغ وجه نقد باشد، در صورت تأخیر در اجرای تعهد، دائن حق مطالبه اصل طلب و خسارت تأخیر تادیه را بر اساس ماده 522 قانون آیین دادرسی مدنی خواهد داشت. یکی دیگر از خواسته‌های متعهدله، می‌تواند اعلام فسخ قرارداد باشد. در واقع هرچند طبق ماده 219 قانون مدنی و اصل لزوم قراردادها، طرفین ملزم به اجرای مفاد قراردادها هستند، اما اگر الزام به پابندی قرارداد، به ضرر متعهد باشد و اصل لزوم منبع ضرر محسوب شود؛ در اینجا قاعده لاضرر بر قاعده لزوم حاکم است و به استناد قاعده لاضرر، حکم لزوم منتفی می‌شود و فسخ قرارداد وسیله‌ای برای دفع ضرر و جبران خسارت در قرارداد خواهد بود (یزدانیان، 1395: 189).

ماده 488 قانون مدنی می‌تواند مصداقی از این قاعده باشد. در واقع مبنای برخی از خيارات، جبران خسارت و قاعده لاضرر است مانند خيار تخلف از شرط، خيار عیب، تبعض صفاقه و تأخیر ثمن و غیره. با استفاده از ملاک ماده 239 قانون مدنی در مورد تخلف از شرط فعل و ماده 476 قانون مدنی درباره اجاره، می‌توان استنباط کرد که به‌طور کلی هرگاه متعهد، تعهدش را اجرا نکند و اجبار او میسر

نباشد، متعهد می‌تواند قراردادش را فسخ کند (کاتوزیان، 1383: 264)؛ همچنین به موجب مواد 422، 384 و 385 قانون مدنی در برخی موارد، متعهد له حق تقلیل ثمن و مطالبه کسری قیمت را علیه متعهد خواهد داشت.

در قانون مدنی فرانسه (اصلاحیه 10 فوریه 2016) به صراحت در ماده 1217 ضمانت‌اجراهای نقض عهد پیش‌بینی شده است که این ضمانت‌اجراها می‌تواند خواسته دعوی جبران خسارت از ناحیه متعهدله زیان‌دیده باشد. این خواسته‌ها شامل حق حبس و تعلیق اجرای تعهد متعهدله، الزام به ایفای تعهد، تقلیل ثمن معامله، فسخ قرارداد، مطالبه خسارت ناشی از تأخیر یا عدم انجام تعهد است. همچنین به موجب مواد 6-1231 و 7-1231 متعهدله می‌تواند در فرضی که موضوع تعهد، تعهد پولی است، خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کند و این امر نیازی به اثبات ورود خسارت ندارد که در سال 2008 میلادی نرخ خسارت قانونی تأخیر تأدیه وجه نقد 3/99 درصد تعیین شده است (بودریگورزا<sup>1</sup>، 2019: 60).

### 3-2. خواسته دعاوی در مسئولیت غیر قراردادی

در دعاوی مسئولیت مدنی غیر قراردادی، خسارت وارده به زیان‌دیده به یکی از راه‌های ذیل جبران می‌شود و بر اساس شیوه‌های جبران خسارت، خواسته این دعاوی به شرح ذیل است:

#### 3-2-1. الزام به جبران عینی یا اعاده وضع به حالت سابق

بهترین و مقدم‌ترین راه جبران خسارت مادی در مسئولیت مدنی غیر قراردادی، جبران عینی مال است، زیرا در این روش از زیان‌دیده به طور کامل جبران خسارت می‌شود (باریلکو، 1394: 254). این امر را می‌توان از مقررات مختلف دریافت کرد که در ادامه آمده است. تا زمانی که عین مال موجود است، باید همان عین مسترد شود. طبق ماده 311 قانون مجازات اسلامی «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید». برای مثال اگر شخصی مال دیگری را سرقت کند، تا زمانی که عین مال موجود است و نزد سارق است، مالک باید دعوی استرداد مال را طرح کند و نمی‌تواند اقدام به مطالبه قیمت آن مال کند، مگر اینکه امکان استرداد عین مال نباشد (کاتوزیان، 1386: 677).

همچنین بر اساس ماده 329 قانون مدنی، اگر کسی دیوار همسایه را تخریب کند، باید دیوار را

دوباره بسازد و مالک نمی‌تواند مطالبه خسارت پولی کند. در حقوق فرانسه نیز اگر واردکننده زیان، جبران عینی را مطالبه کند، زیان‌دیده نمی‌تواند به جای آن غرامت پولی درخواست کند؛ بنابراین اگر امکان جبران عینی باشد قاضی مکلف است بر آن اساس، حکم صادر کند (بنو<sup>1</sup> و برایت<sup>2</sup>، 2019: 800)؛ بنابراین در فرضی که زیان‌دیده متحمل خسارت شده است و قصد داشته باشد علیه عامل ورود زیان، اقامه دعوی خسارت کند، مادام که اصل موضوع مال موجود و امکان استرداد آن فراهم است، خواسته دعوی خواهان (زیان‌دیده) استرداد اصل مال موضوع دعوی خواهد بود و دعوی الزام به پرداخت خسارت از طریق دادن بدل مال (مثل یا قیمت) قابل استماع نیست.

### 2-2-3. الزام به تحویل مثل یا پرداخت قیمت

در فرضی که امکان طرح دعوی بر اساس بند قبل نباشد یا طرفین (عامل ورود زیان و زیان‌دیده) تراضی نمایند، عامل ورود زیان مکلف است با دادن مثل یا قیمت، خسارت وارده به زیان‌دیده را جبران کند (ماده 311 قانون مدنی). در واقع در این فرض، چیزی که معادل زیان وارد شده است به دارایی زیان‌دیده افزوده می‌شود (صفایی و رحیمی، 1397: 496). معمولاً در این روش، عامل ورود زیان مبلغی پول به زیان‌دیده برای جبران خسارت پرداخت می‌کند. زیان‌دیده با دریافت پول می‌تواند به هر نحوی که مناسب می‌داند در آن تصرف کند.

غرامت ممکن است به صورت مبلغ مقطوع یا مستمری مادام‌العمر تعیین شود. قاضی آزاد است شیوه‌ای را که برای جبران ضرر مناسب‌تر تشخیص می‌دهد، انتخاب کند (ماده 44 قانون فرانسه پیرامون حوادث رانندگی مصوب 1985). (بل<sup>3</sup> و همکاران، 2008: 54).

درباره خسارات بدنی نیز، جبران خسارت از طریق پرداخت دیه معین یا نامعین (ارش) صورت می‌گیرد. دیه مثل یا قیمت نفس یا عضو تلف‌شده نیست، بلکه مالی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت یا جنایت عمومی که قابل قصاص نیست، مقرر شده است که این موضوع در مواد 448 و 449 قانون مسئولیت مدنی مصوب 1392 قید شده است.

قانون مدنی فرانسه به ضررهای بدنی اشاره نکرده است، ولی رویه قضایی فرانسه آرای مهمی در این زمینه صادر کرده و حکم به پرداخت خسارت صادر داده است. در فرضی که صدمه به سلامت

1. Bueno  
2. Bright  
3. Bell

جسمی وارد شود، خسارت مادی شامل هزینه‌های پزشکی، جراحی، دارویی و سلب قدرت کارکردن را قابل جبران می‌داند؛ همچنین در فرضی که در نتیجه ورود خسارت، شخصی فوت کند ورثه متوفی می‌توانند جبران زیان‌های مادی را از لحظه ورود خسارت تا لحظه مرگ (هزینه پزشکی، ناتوانی از کار و غیره) مطالبه کنند. همچنین این اشخاص می‌توانند خسارت معنوی را مطالبه کنند (شعبه دوم مدنی دیوان تمیز فرانسه 28 نوامبر 1962) (پارزیال<sup>1</sup>، 2019: 57).

قانون‌گذار ایران در مواد 1، 8، 9 و 10 قانون مسئولیت مدنی و اصل 171 قانون اساسی ایران و ماده 14 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، ایجاد مسئولیت و قابلیت پرداخت پول در مقابل ایراد خسارت معنوی را به رسمیت شناخت (بابایی، 1396: 139).

در فرانسه جبران ضرر معنوی از طریق پرداخت پول در گذشته محل بحث و اختلاف بوده است. قانون مدنی در این باره ساکت است و حقوق‌دانان در این زمینه اختلاف نظر دارند و برخی معتقدند از نظر اخلاقی زنده است که کسی برای جبران زبانی که به عواطف و احساسات وارد شده است، پول مطالبه کند. ولی رویه قضایی فرانسه از سال 1833 جبران ضرر معنوی از طریق مالی را پذیرفته و این قاعده به صورت رویه قضایی پایدار درآمده است. امروزه همه دادگاه‌ها حکم به جبران ضرر معنوی می‌کنند. پیش‌تر اصلاح حقوق تعهدات فرانسه مورخ 22 سپتامبر 2005 در ماده 1343 به جبران ضرر معنوی تصریح کرده است (حیاتی، 1393: 107)؛ بنابراین در فرض ورود ضرر به اموال زیان‌دیده، مشارالیه می‌تواند در فرضی که امکان اعاده وضع سابق نباشد یا در فرضی که چنین امکانی وجود دارد ولی طرفین دعوی خسارت تراضی کنند، حق مطالبه خسارت از طریق دادن معادل پول مال را دارد. در فرضی که عامل ورود زیان موجب ورود صدمه روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخص شود، زیان‌دیده حق مطالبه خسارت از طریق مطالبه پول و الزام عامل ورود زیان به عذرخواهی و درج حکم در جراید را خواهد داشت.

#### 4. سبب در دعوی خسارت

سبب مجموعه جهات موضوعی است که توصیف قانونی شده است و تعیین آن بر اساس بند 4 ماده 51 قانون آیین دادرسی مدنی ایران ضروری به نظر می‌رسد. سبب دعوی مدنی ممکن است عمل

حقوقی (مثل قرارداد) یا واقعه حقوقی (اتلاف، تسبیب، غضب، مسئولیت مدنی و غیره) باشد. در دعاوی مسئولیت مدنی، سبب دعوی، فعل زیان بار اعم از فعل یا ترک فعل زیان بار است که در مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی متفاوت است و در ذیل شرح داده شده است (شمس، 1386: 67).

#### 4-1. سبب دعوی مسئولیت مدنی قراردادی

برای تحقق مسئولیت مدنی قراردادی لازم است تعهد قراردادی ناشی از عقد صحیح باشد و متعهد از تعهد قراردادی تخلف ورزد و در نتیجه این تخلف، متعهدله متحمل خسارت شود. در مسئولیت مدنی قراردادی، معمولاً فعل زیان بار به صورت فعل منفی (ترک فعل) است که به صورت عدم اجرای کامل یا جزئی تعهد قراردادی ظاهر می شود. البته ممکن است مسئولیت مدنی قراردادی، گاه با فعل مثبت واقع شود مثل اینکه کسی در عمل مال موضوع قرارداد را تلف کند؛ بنابراین آنچه سبب و جهت دعوی مسئولیت مدنی قراردادی را تشکیل می دهد، عدم یا تأخیر اجرای تعهد قراردادی است که متعهدله در صورت وجود سایر ارکان و شرایط، اقدام به طرح دعوی خسارت علیه متعهد می کند.

#### 4-2. سبب در دعوی مسئولیت مدنی غیرقراردادی

در دعاوی مسئولیت مدنی غیرقراردادی نیز سبب دعوی عبارت است از فعل زیان باری که از ناحیه عامل ورود زیان رخ می دهد و عمل زیان بار به خواننده نسبت داده شود که می تواند فعل مثبت باشد یا فعل منفی (ترک فعل). در این نوع دعاوی، صرف رابطه سببیت بین فعل زیان بار و خسارت کافی است و نیاز به نامشروع بودن یا غیرمجاز بودن فعل زیان بار نیست. در حقوق فرانسه، برخی از استادان بزرگ مانند مازوها و شاباس، سبب دعوی مسئولیت مدنی را «حق نقض شده» تعریف کرده اند (پالمبو<sup>1</sup>، 2019: 270).

رویه قضایی فرانسه مفهوم دیگری برای سبب دعوی مسئولیت مدنی قائل شده است و آن را بر حسب اینکه مورد ادعای مسئولیت قراردادی (ماده 1147 قانون مدنی) یا مسئولیت ناشی از جرم یا شبه جرم، به علت تقصیر شخصی (مواد 1382 و 1383 قانون مدنی) یا ناشی از فعل دیگری (ماده 1384 قانون مدنی) یا فعل اشیای بی جان تحت حفاظت (بند 1 ماده 1384) یا فعل حیوانات (ماده 1385) یا به علت خرابی ساختمان (ماده 1386) یا حتی صدمات ناشی از همسایگی باشد، متفاوت

1. Palombo

می‌داند (البته شماره مواد در اصلاحیه 2016 تغییر یافته است). در این زمینه لازم است به رأی هیئت عمومی دیوان تمییز به تاریخ 7 ژوئیه 2006 اشاره شود که بیان می‌دارد: «خواهان اگر بخواهد دعوایش که در ابتدا بر ماده 1382 و تقصیر شخصی خوانده بوده است، به علت عدم اثبات تقصیر رد نشود، باید مبنای دیگر را هم در دادخواست خود بیان کند». با وجود این در ماده‌ای از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، قاضی اجازه دارد رأی خود را به استناد مبنای حقوقی که خود رأساً تشخیص می‌دهد، صادر کند؛ به شرط آنکه پیش‌تر از طرفین بخواهد ملاحظه‌ها و دفاعیات خود را ابراز دارند و اصل دادرسی توافقی رعایت شود (پالمبو، 2019: 270).

برخی دیگر از حقوق‌دانان فرانسوی، سبب را عملی دانسته‌اند که مسئولیت از آن ناشی می‌شود و نوع خطا و مواد مورد استناد را جزء دلایل اثبات دعوی می‌دانند؛ نه سبب دعوی؛ بنابراین سبب در دعوی مسئولیت مدنی قراردادی با غیرقراردادی متفاوت است و اگر کسی بر مبنای سبب مسئولیت مدنی غیرقراردادی، طرح دعوا کند و محکوم به شکست شود، دوباره می‌تواند بر مبنای سبب تقصیر قراردادی طرح دعوی کند و قاعده «اعتبار امر قضاوت‌شده» شامل دعوی جدید نخواهد شد (بزرگمهر، 1395: 74)؛ همچنین اگر دادگاه به نتایج فعل خاصی رسیدگی می‌کند، حکم نیز در همان باره اعتبار دارد. در واقع نمی‌توان مدعی را مجبور کرد در یک دادرسی تمام ادعاهای خود را بیان کند و خوانده نیز به‌طور کلی ثابت کند مسئول نیست.

از سوی دیگر اگر کسی به سبب مسئولیت مدنی ناشی از اشیا، مطالبه خسارت کند، دادگاه تنها به همین سبب رسیدگی می‌کند و حق ندارد خوانده را به سبب تخلف از قرارداد به جبران زیان ملزم سازد (رأی دیوان فرانسه، 23 نوامبر 1927)؛ بنابراین به نظر می‌رسد در دعاوی مسئولیت مدنی غیرقراردادی، سبب دعوی عملی است که توسط خوانده صورت گرفته است. دادرسی عمل ارتكابی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و عمل را با مواد قانونی تطبیق می‌دهد و ملزم به پیروی از مواد استنادی خواهان نیست. در حقوق کشورمان، آنچه از مواد قانون که مربوط به چگونگی احراز این رابطه است، طبیعت دعوی را تغییر نمی‌دهد و در شمار دلایل اثبات دعوی است؛ از این رو احراز رابطه سببیت با دادرسی است ولی عوامل دیگر (فعل زیان‌بار و ضرر وارده) باید از طرف مدعی مطرح شود. در واقع مدعی باید اعلام کند خوانده چه عمل زیان‌باری مرتکب شده است، زیرا ضرر بدل حقی است که از مدعی از دست رفته و چهره دیگری از همان حق است و دادگاه نمی‌تواند در

اعمال خواننده جست‌وجو و تحقیق کند؛ از این‌رو آنچه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اعتبار امر مختوم دارد، عمل شخص است نه مواد قانونی؛ بنابراین اگر عملی که به خواننده نسبت داده می‌شود امر دیگری باشد، تجدید دعوی ممکن است و محکوم‌شدن خواهان در یک دعوی، مانع از طرح دعوی بابت اعمال دیگر نیست. در اینجا اگر دادگاه در دعوی ابتدایی احراز کند که هیچ خسارتی به خواهان وارد نشده است، طرح دعوی جدید نیز امکان‌پذیر نیست؛ حتی اگر موضوع اعمال موضوع دعوی، تغییر کند (کاتوزیان، 1368: 322).

در حقوق فرانسه اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی اساتید فرانسوی معتقدند قواعد مربوط به مسئولیت غیرقراردادی مربوط به نظم عمومی است و اگر زیان‌دیده نتواند از نظر مسئولیت قراردادی به حق خود برسد، می‌تواند به استناد قواعد مسئولیت غیرقراردادی زیان خویش را جبران سازد، اما برخی دیگر از اساتید فرانسوی معتقدند قرارداد در حال می‌تواند استناد زیان‌دیده به مسئولیت غیرقراردادی را منع کند (یزدانیان<sup>1</sup>، 2020: 640).

در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به سکوت قانون‌گذار، بین حقوق‌دانان اختلاف وجود دارد. گروهی معتقدند زیان‌دیده مخیر است یکی از مبانی مسئولیت مدنی قراردادی یا غیرقراردادی را انتخاب کند؛ زیرا این امر با اراده قانون‌گذار و نظم عمومی منافات ندارد و آنچه مهم است مصلحت زیان‌دیده است که جبران ضرر آن، مصلحت برتر است (کاتوزیان، 1386: 135).

به نظر می‌رسد در فرضی که طرفین قرارداد، به صراحت امری را به‌عنوان مسئولیت قراردادی یا میزان خسارت پیش‌بینی کرده باشند، نمی‌توان مفاد قرارداد و الزام‌های ناشی از آن را که برخاسته از قصد و اراده طرفین است، نادیده بگیرند و به قواعد مسئولیت قهری رجوع کنند؛ از این‌رو زیان‌دیده ناچار است بر اساس مسئولیت مدنی قراردادی دعوی خویش را مطرح سازد.

## 5. صلاحیت دادگاه

حلقه اتصال یک حق مکتسبه ناشی از مسئولیت مدنی و جبران خسارت، مرجع صالح رسیدگی به موضوع طرح‌شده است. در قوانین دادرسی و مقررات متفرقه، مبانی و معیارهای صلاحیت مراجع قضایی و غیرقضایی نسبت به موضوعات مختلف، تبیین شده است که با پیروی از این مبانی و



معیارها، اقامه‌کننده دعوی به مرجع صالح هدایت خواهد شد. مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی از نظر صلاحیت ذاتی و محلی با یکدیگر متفاوت‌اند و صلاحیت ذاتی و محلی دادگاه، بستگی به نوع مسئولیت دارد. تفکیک صلاحیت‌ها به شرح ذیل است:

### 1-5. صلاحیت ذاتی

در حقوق ایران، چون قانون‌گذار درباره خسارت‌های بدنی پرداخت دیه را یکی از مجازات‌های مقرر در ماده 14 قانون مجازات اسلامی تعیین کرده است، دادگاه کیفری صلاحیت رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی غیرقراردادی ناشی از جبران خسارت‌های بدنی را دارد. البته با توجه به اینکه دیه، ماهیت مدنی نیز دارد، زیان‌دیده می‌تواند در دادگاه‌های حقوقی مطالبه دیه کند که معمولاً از نظر عدم لزوم پرداخت هزینه دادرسی و سهولت در اثبات دعوی، زیان‌دیده به دادگاه کیفری مراجعه می‌کند. در مواردی که تعقیب متهم به هر علتی امکان‌پذیر نباشد، زیان‌دیده مجبور به طرح دعوی حقوقی در محاکم حقوقی است.

در غیر از دیه نیز اگر خسارت ناشی از جرم باشد، زیان‌دیده مخیر است بر اساس ماده 14 قانون آیین دادرسی کیفری ضمن اقامه جرم، مطالبه خسارت نیز کند یا اقدام به طرح دعوی مستقل با موضوع «مطالبه خسارت» در دادگاه‌های حقوقی طرح دعوی خسارت کند.

### 2-5. مرجع شورای حل اختلاف

در کشور ما به موجب بند الف ماده 9 قانون شورای حل اختلاف مصوب 1394، رسیدگی به دعاوی خسارت تا سقف 20 میلیون تومان در صلاحیت شوراهای حل اختلاف است. حقوق فرانسه ضمن تقسیم‌بندی دادگاه‌ها، رسیدگی به دعاوی سبک را به دادگاه‌های رتبه پایین واگذار کرده که دقیقاً مانند شورای حل اختلاف کشورمان است. صلاحیت این دادگاه‌ها به دعاوی مرتبط کمتر از 10 هزار یورو بازمی‌گردد (بورگتی<sup>1</sup>، 2019: 100)؛ از این رو در رویه شورای حل اختلاف، بین نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، اشتراک‌هایی وجود دارد. دعاوی مرتبط با مسئولیت مدنی که مستوجب خسارت‌هایی کمتر از مقادیر تعیین‌شده باشد، به شورای حل اختلاف واگذار شده و مرجع صالح رسیدگی به آن است.

### 3-5. دادگاه خانواده

دادگاه خانواده به موجب قانون حمایت از خانواده مصوب 1391 جزء مراجع اختصاصی محسوب می‌شود و صرفاً صلاحیت رسیدگی به دعاوی مندرج در ماده 4 این قانون را دارد. به عقیده حقوق‌دانان، مسائل ازدواج را با توجه به ماهیت عاطفی آن نمی‌توان در زمره قراردادهای دانست و مانند قرارداد تجاری با آن برخورد کرد؛ باین حال قانون مدنی در مورد مسائل نکاح، صراحت داشته و بدین منظور، دادگاه خانواده با هدف بررسی اختلاف‌های مرتبط با زوجیت تشکیل شده است (محقق داماد، 1382: 454).

در بررسی مثال‌های حقوقی، مشاهده شده است که تخلف از مسئولیت‌های زوجیت، علاوه بر الزام به اجرای تعهد، مستوجب مسئولیت مدنی است و دادگاه در مواردی، زوج/زوجه را به سبب مسئولیت مدنی ناشی از نقض تکالیف زوجیت، به پرداخت خسارت محکوم کرده است. این مسئله در حقوق فرانسه نیز مشهود است. در این کشور دعاوی زوجین با اولویت ویژه بررسی می‌شود و مسئولیت مدنی قراردادی برای تخطی از برخی مسئولیت‌ها پیش‌بینی شده است. در قانون فرانسه به صراحت روابط زوجیت نوعی قرارداد خوانده شده است، اما در حقوق کشور ما، در این مورد بحثی نشده و برخی آن را نوعی قرارداد و برخی با توجه به ماهیت خاص نکاح، آن را خارج از مسائل قراردادی می‌دانند.

### 3-5. مرجع داوری

داوری یکی از مسائل مهم در حقوق خصوصی است. قانون‌گذاران ایران و فرانسه، هر دو در تشویق طرفین دعوا برای رجوع به داوری، تلاش‌هایی کرده‌اند. تصریح داوری در برخی اختلاف‌های قراردادی نشان از به رسمیت شناخته شدن نظریه تعدد مسئولیت در نظام حقوقی ایران و فرانسه است.

در کشور ما در قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب 1389 مسئله داوری بیان شده و در ماده 20 آمده است: «دعاوی خسارت قراردادی ناشی از نقض تعهدات ناشی از قراردادهای پیش‌فروش ساختمان در صلاحیت هیئت داوری است». همچنین بر اساس ماده 36 قانون بورس و اوراق بهادار مصوب 1384 هرگونه اختلاف بین کارگزار، بازارگردان، کارگزار و غیره در صلاحیت هیئت داوری است. در اینجا با توجه به فقدان قرارداد با این اشخاص و قانون‌بودن منشأ اختلاف‌ها، این‌گونه دعاوی

در چهارچوب مقررات مسئولیت مدنی غیر قراردادی می‌گنجد؛ مگر اینکه بین آنها قراردادی منعقد شده باشد. در حقوق فرانسه نیز به صورت عمومی، برای قراردادهای و اختلاف‌های ناشی از آن، داوری پیش‌بینی شده است و مسئولیت مدنی قراردادی می‌تواند در داوری‌های حقوقی مشخص شود.

### 5-5. صلاحیت محلی

در حقوق ایران اگر مسئولیت مدنی قراردادی مطرح باشد، بر اساس مواد 11 و 13 و 22 قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه محل اقامت خوانده یا محل وقوع عقد یا اجرای قرارداد، صالح به رسیدگی است. قاعده صلاحیت محل اقامت خوانده یکی از سنت‌های قضایی است که در حقوق روم، در حقوق کلیسا و در حقوق سنتی بیشتر کشورها پذیرفته شده و مورد تأیید قرار گرفته است و می‌توان آن را یکی از قواعد مقبول جهانی دانست (متین‌دفتری، 1394: 85).

در مورد دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی غیر قراردادی، در حقوق ایران قاعده و ضابطه خاصی وجود ندارد و در اینجا تابع قواعد عمومی (محل اقامت خوانده) است (متین‌دفتری، 1394: 102). محدود کردن صلاحیت دادگاه به محل اقامت خوانده در دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی غیر قراردادی به عنوان قاعده مطلق، پاسخ‌گوی مناسبی در زندگی پیچیده اجتماعی نیست. بر اساس ماده 46 قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (ویتکر<sup>1</sup>، 2019: 430)، باید بین دادگاه محل وقوع حادثه و موضوع دعوی خسارت ناشی از تعهدات غیر قراردادی با آن دادگاه، عامل ارتباطی وجود داشته باشد تا در کنار دادگاه محل اقامت خوانده، صالح به رسیدگی باشد؛ زیرا شرایط رسیدگی در دادگاه محل وقوع حادثه یا محل بروز خسارت برای دادگاه از نظر سرعت و سهولت در رسیدگی و تحقیقات و نیز کاهش هزینه‌های مرتبط، مناسب‌تر است.

اگر موضوع دعوی خسارت، خسارت ناشی از جرم باشد و در قالب دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم، طرح دعوی شود، از قاعده صلاحیت محل اقامت خوانده یا محل وقوع مال غیر منقول، عدول شده و دادگاه کیفری محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی است؛ از سوی دیگر اگر در اثر حادثه‌ای، خسارت بدنی به بار آید و دادگاه کیفری صالح باشد، طبق مواد 26، 68، 117 و 118 قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت محلی دارد؛ مگر اینکه مجرم دارای مقام خاص باشد که موضوع در صلاحیت دادگاه مرکز استان یا دادگاه کیفری تهران است (مواد 307 و 308

قانون آیین دادرسی کیفری) در حقوق فرانسه نیز دعاوی مربوط به مسئولیت قراردادی دادگاه محل تخلیه کالا یا مکان اجرای تعهد یا محل اقامت خواننده صالح به رسیدگی است (بند 2 ماده 46 قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه)؛ اما اگر مسئولیت غیرقراردادی باشد، دادگاه محل وقوع فعل زیان‌بار یا دادگاه محل تحقق ضرر، صالح به رسیدگی است (مواد 42 و 46 قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه) (برمن<sup>1</sup> و پیکارد<sup>2</sup>، 2008: 43).

### 5-6. تفاوت در مهلت مرور زمان

منظور از مرور زمان این است که با گذشت مدتی از زمان ورود خسارت، دعوی خسارت قابل طرح نیست. در واقع مرور زمان مسقط حق و تعهد نیست، بلکه وسیله‌ای در دست خواننده برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن است (شهیدی، 1388: 47).

در قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب 1318، مرور زمان وجود داشت، ولی در قانون جدید و همچنین اعلام نظر شورای نگهبان (مرجع انطباق قوانین مصوب با موازین شرعی و قانونی)، مرور زمان غیرشرعی اعلام و از این قانون حذف شد. هرچند شورای نگهبان، طی نظریه اخیر، مرور زمان را در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب 1318 باطل اعلام کرده و بر مبنای همین نظریه، مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی جدید مصوب 1379 نیامده است، ولی مرور زمان در قوانین متفرقه هنوز باقی مانده و شورای نگهبان در نظریه خویش به مرور زمان در این قوانین متعرض نشده است. به‌رغم نظر برخی از حقوق‌دانان مبنی بر فقدان مرور زمان در حقوق ایران به نظر می‌رسد در برخی قوانین، مرور زمان وجود دارد؛ از جمله در بحث مسئولیت مدنی غیرقراردادی می‌توان به ماده 36 قانون بیمه مصوب 1316 اشاره کرده که مقرر می‌دارد: «مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه، دو سال و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوی خواهد بود...». در مواد 286 و 287 قانون تجارت مصوب 1311 نیز قانون‌گذار مقرر می‌دارد: «اگر دارنده براتی که باید در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواد از حقی که ماده 249 برای او مقرر داشته استفاده کند، باید ظرف یک سال از تاریخ اعتراض، اقامه دعوی کند».

بر اساس ماده 66 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی مصوب 1387، اشخاص

1. Bermann  
2. Picard

حقیقی و حقوقی خسارت دیده از رویه‌های ضد رقابتی مذکور در این قانون می‌توانند حداکثر ظرف یک سال از زمان قطعیت تصمیمات شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر مبنی بر اعمال رویه‌های ضد رقابتی، به منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیت‌دار دادخواست بدهند...». به موجب مواد 255 قانون آیین دادرسی کیفری و مابعد آن، شخص بازداشت‌شده که با رأی قطعی تبرئه می‌شود، حق مطالبه خسارت ایام بازداشت را از دولت خواهد داشت و مرجع رسیدگی به این خسارت، کمیسیون استانی جبران خسارت است که رأی این کمیسیون قابل اعتراض در کمیسیون ملی جبران خسارت مستقر در دیوان عالی کشور است. بر اساس ماده 257 این قانون: «...شخص بازداشت‌شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی... تقدیم کند...».

پیش‌تر در حقوق فرانسه مرور زمان دعاوی مسئولیت قراردادی 30 سال و غیرقراردادی 10 سال بوده است، ولی امروزه طبق ماده 2224 اصلاحی قانون مدنی فرانسه مصوب 17 ژوئن 2008 مدت مرور زمان در دعاوی مسئولیت اعم از قراردادی و غیرقراردادی پنج سال، و در مورد زیان‌های بدنی مرور زمان 10 سال است (صفایی و رحیمی، 1397: 478).

بر اساس بند 1 ماده 10 قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، دعوی جبران خسارت ناشی از جنایت، جنحه یا خلاف، تابع مرور زمان دعوای عمومی است؛ یعنی در جنایت 10 سال، در جنحه 3 سال، و در خلاف یک سال. قانون‌گذار فرانسه به قاضی مدنی اجازه نمی‌دهد به جرمی که قاضی کیفری آن را مشمول مرور زمان دانسته است، رسیدگی کند. بند 1 ماده 10 قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در سال 2008 میلادی اصلاح شد و به موجب آن: «... هنگامی که دعوای مدنی ناشی از جرم در برابر دادگاه مدنی اقامه می‌شود، مرور زمان آن تابع قانون مدنی است»؛ از این رو در مورد خسارت بدنی، قانون مرور زمان ده‌ساله را که در قانون مدنی (ماده 2226) مقرر شده است، حفظ می‌کند.

در فرانسه مبدأ مرور زمان در مسئولیت قراردادی روزی است که تعهد حال و قابل مطالبه است که این قاعده استثنا دارد: الف) اگر مرور زمان کیفری اعمال شود، مبدأ مرور زمان روز وقوع جرم است؛ ب) مرور زمان تا هنگامی که ضرر آشکار شود، معلق می‌شود. بر اساس مواد 1-2270 قانون مدنی فرانسه، مرور زمان در دعاوی مسئولیت خارج از قرارداد، از زمان آشکار شدن ضرر یا تشدید آن جریان می‌یابد (بیزدانیان، 1395: 43).

### 5-7. تفاوت در قانون حاکم

در فرض ایجاد تعهد ناشی از قرارداد یا الزام‌های خارج از قرارداد، امکان تعارض قوانین وجود دارد؛ زیرا امکان دارد در تعهدات قراردادی محل وقوع عقد یا اجرای عقد و اقامتگاه طرفین عقد، کشور واحدی نباشد؛ همچنین امکان دارد در الزام‌های خارج از قرارداد، محل وقوع فعل زیان‌بار و اقامتگاه عامل ورود زیان و زیان‌دیده، کشورهای مختلفی باشند؛ بنابراین قاضی رسیدگی‌کننده به دعوی خسارت، باید یکی از قوانین را بر دعوی مطروحه اعمال کند که جز از طریق قواعد حل تعارض قانون ملی، این امر امکان‌پذیر نیست.

در حقوق ایران درباره مسئولیت مدنی قراردادی بین حقوق‌دانان در راستای تفسیر ماده 968 قانون مدنی اختلاف نظر وجود دارد. برخی قانون محل انعقاد عقد را قانون صالح در مورد کلیه مسائل مربوط به قراردادها از جمله مسئولیت قراردادی می‌دانند؛ مگر طرفین به صراحت خلاف آن را شرط کنند. برخی دیگر معتقدند مسئولیت قراردادی تابع قانون محل اجرای عقد است، اما به نظر می‌رسد مقوله تعهدات قراردادی با مقوله مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد، متفاوت است و باید در این موارد قانون محل نقض قرارداد را که محل ایجاد خسارت و استقرار دین بر ذمه متخلف است، اعمال کند؛ البته طرفین قرارداد با احراز شرایط لازم در ماده 968 می‌توانند قانون محل دیگری را بر رابطه حقوقی معین حاکم کنند.

در مسئولیت مدنی غیرقراردادی، با توجه به اینکه در قانون مدنی هیچ نصی در این زمینه وجود ندارد و مسائلی همچون تعیین چگونگی سبب و منشأ مسئولیت مدنی و درجه مداخله عامل ورود زیان و رابطه سببیت بین فعل وارده و زیان و غیره مؤثر در قضیه است؛ از این رو قانون محل وقوع خسارت در دعوی مطروحه حاکم است. درباره مسئولیت مدنی غیرقراردادی نیز در حقوق فرانسه معتقدند مسئولیت قرارداد تابع قانون کشوری است که طرفین بر آن توافق کرده‌اند و در صورت عدم توافق صریح، قانون صالح بر اساس عناصر و قرائن موضوعی که بتوان اراده طرفین را کشف کرد، تعیین می‌شود.

درباره مسئولیت مدنی غیرقراردادی، اجرای قانون محل حادثه از سال 1910 حاکم بوده است، ولی در ادامه تحولی ایجاد شده و کنوانسیون‌هایی در زمینه قانون صالح در تصادف‌های رانندگی و مسئولیت ناشی از عیب کالای تولیدشده تصویب و فرانسه آن را لازم‌الاجرا دانسته است. بر اساس

مقررات این کنوانسیون، قانون داخل کشوری که در آن تصادف رخ داده است و قانون کشوری که عمل زیان‌بار موجب خسارت عیب کالای تولیدشده در آن روی داده، حاکم بر قضیه است. در امور اخیر کشور مذکور باید اقامتگاه شخص یا اقامتگاه اصلی خواننده یا محل خرید کالا باشد که قاعده‌ای ترکیبی است. علاوه بر آن ماده 5 کنوانسیون به زیان‌دیده حق داده است که هر یک از آن‌ها را به اختیار انتخاب کند (هاشمی، 1389: 217).

### 5-8. تفاوت در تعارض قوانین داخلی

در اینجا این بحث مطرح می‌شود که اگر در زمان تحقق مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی، قانون تغییر یابد، مسئولیت تابع قانون چه زمانی است؟ بر این اساس، دو بحث مهم مطرح شده است:

الف) در مسئولیت قراردادی: در حقوق فرانسه، قانون زمان انعقاد قرارداد حاکم است و قانون جدید عطف ماسبق نمی‌شود؛ مگر قانون‌گذار خلاف آن را تصریح کند. در حقوق ایران نیز مسئولیت قراردادی تابع قانون زمان ایجاد مسئولیت است، زیرا مسئولیت قراردادی نوعی رابطه دینی جدید است. در خسارت تأخیر در اجرای تعهد نیز، اگر از زمان انقضای مدت، خسارت محقق شود، تابع قانون روز ایجاد خسارت است نه زمان عقد (کاتوزیان، 1386: 241).

ب) در مسئولیت غیرقراردادی: در حقوق فرانسه، مسئولیت غیرقراردادی تابع قانون زمان بروز خسارت است و قانون جدید، عطف به ماسبق نمی‌شود. در حقوق ایران، قانون زمان ایجاد مسئولیت غیرقراردادی حاکم است (کاتوزیان، 1368: 412).

### 5-9. تفاوت در ادله اثبات دعوی

بین اعمال و وقایع حقوقی از نظر دلایل اثبات دعوی در مرجع قضایی، تفاوت وجود دارد. در واقع در مسئولیت غیرقراردادی می‌توان ادعا را با هر دلیلی ثابت کرد؛ اما اثبات مسئولیت قراردادی با ادله مشخص امکان‌پذیر است. در حقوق ایران، بر اساس ماده 1306 قانون مدنی «جز در مواردی که قانون استثنا کرده است، هیچ‌یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از 500 ریال باشد نمی‌توان تنها به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد، ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند».

بر اساس ماده 1307 قانون مدنی: «در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکور در ماده فوق کسی

که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی از انحا بری شده است، نمی‌تواند ادعای خود را تنها به وسیله شهادت ثابت کند». ماده 1310 قانون مدنی نیز بیان داشت: «اگر موضوع دعوی، عقد یا ایقاع یا تعدی بیش از 500 ریال باشد، نمی‌توان آن را تنها به وسیله شهود ثابت کرد...».

مواد 1306، 1307 و 1310 متعاقباً فسخ و حذف شدند اما ماده 1212 قانون مدنی که پنج استثنا بر ماده 1310 وارد کرده است، حذف نشده و در بند 5 این ماده آمده است مسئولیت غیر قراردادی و امور دیگر که داخل در عقود و ایقاعات نباشد، استثنا شده است؛ یعنی در مسئولیت غیر قراردادی، دلیل کتبی لازم نیست و به نظر می‌رسد تفاوتی بین مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی از نظر ادله وجود ندارد. در حقوق فرانسه، برای طرح دعوی مسئولیت قراردادی، اثبات اصل قرارداد با سند کتبی ممکن است اما نقض قرارداد نیاز به سند ندارد و با شهادت قابل اثبات است (ماده 341 قانون مدنی فرانسه)؛ بنابراین سخت‌گیری‌های اثبات مسئولیت قراردادی در مسئولیت غیر قراردادی وجود ندارد و با هر دلیلی قابل اثبات است (ماده 1448 قانون مدنی فرانسه).

#### 10-5. تفاوت در اثبات تقصیر

امروزه مفهوم تقصیر در هر دو مسئولیت مدنی قراردادی و قهری یکسان است. تقصیر عبارت است از رفتاری خلاف سلوک و رفتار یک انسان متعارف؛ به عبارت دیگر همان‌طور که در مسئولیت مدنی قهری، تلف مال دیگران رفتاری نامتعارف است در مسئولیت مدنی قراردادی هم، نقض یک قرارداد، رفتاری نامتعارف محسوب می‌شود (حیاتی، 1393: 159)؛ بنابراین از نظر ثبوتی تقصیر در هر دو مسئولیت، مفهوم واحدی دارد؛ اما از نظر اثباتی و در عالم دادرسی، اثبات تقصیر امر متفاوتی است.

در مورد مسئولیت قراردادی، برخی از حقوق‌دانان معتقدند بر اساس مواد 227 و 229 قانون مدنی، تقصیر مفروض است و زیان‌دیده بی‌نیاز از اثبات آن در دعوی خسارت است و حکم عقود امانی که در آن تقصیر مفروض نبوده و متعهدله باید تقصیر متعهد را ثابت کند، استثنا است (شهیدی، 1386: 242) ولی به نظر می‌رسد این نظر موجب تخصیص اکثر می‌شود؛ در واقع باید مفاد هر تعهد را مستقل بررسی کرد. اگر تعهد از نوع تعهد به نتیجه است و متعهد تعهد خویش را ایفا نکند، در اینجا دست‌نیافتن به نتیجه، خطا و تقصیر محسوب می‌شود و متعهدله نیاز به اثبات تقصیر ندارد؛ اما اگر موضوع تعهد رسیدن به نتیجه معینی نباشد، بلکه سعی و تلاش در وصول به یک نتیجه باشد، دست‌نیافتن به نتیجه دلیل بر انجام‌ندادن تعهد



نیست و خطا و تقصیر محسوب نمی‌شود؛ مگر متعهدانه ثابت کند متعهد به طور متعارف سعی و تلاش نکرده است؛ از این رو متعهدانه باید تقصیر متعهد را ثابت کند.

تفکیک فوق در حقوق فرانسه در مقام رفع تعارض بین ماده 1147 قانون مدنی فرانسه که مانند مواد 227 و 229 قانون مدنی ایران است و ماده 1137 قانون مدنی فرانسه که شبیه موادی مانند ماده 614 قانون مجازات اسلامی است، تبیین شده است که این تفکیک منسوب به حقوق دان فرانسوی به نام دموگ است (یزدانیان، 1395: 131)؛ بنابراین به طور مطلق نمی‌توان گفت صرف عدم انجام تعهد قراردادی، تقصیر محسوب شده و متعهدانه بی‌نیاز از اثبات تقصیر است بلکه اگر موضوع تعهد، تعهد به نتیجه باشد با عدم انجام تعهد، تقصیر متعهد مفروض است و متعهد باید برای برائت ذمه خویش دلیل بیاورد؛ اگر تعهد به وسیله باشد به صرف عدم انجام تعهد، تقصیر مفروض نبوده و متعهدانه باید تقصیر متعهد را ثابت کند.

در مسئولیت قهری، اصولاً تعهد و تکلیف قانونی از نوع تعهد به وسیله است و آن عبارت است از سعی و تلاش و احتیاط و مراقبت و پرهیز از بی‌احتیاطی و آنکه مدعی عدم احتیاط بوده است و ادعای تعدی و تفریط می‌کند، خلاف اصل عدم تقصیر سخن گفته است و باید تقصیر را ثابت کند؛ از این رو اثبات تقصیر با زیان‌دیده است. در حقوق فرانسه نیز طبق ماده 1382 قانون مدنی فرانسه در دعوی خسارت باید تقصیر خوانده ثابت شود (یزدانیان، 1395: 131).

#### 11-5. تفاوت تضامن یا عدم تضامن

یکی از تفاوت‌هایی که در کتب مسئولیت مدنی در ایران و فرانسه بین مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی قائل بوده‌اند، مسئله تضامنی یا نسبی بودن مسئولیت خواندگان متعدد در جبران خسارت است. در حقوق ایران به‌طور کلی دو نظریه در مسئولیت غیرقراردادی مطرح شده است: نخست اصل تضامنی بودن و دوم اصل نسبی بودن مسئولیت غیرقراردادی. در اصل نسبی بودن مسئولیت قراردادی اختلاف نظری وجود ندارد. برخی معتقدند بر اساس مواد 316 تا 327 قانون مدنی و ماده 14 قانون مسئولیت مدنی و 15 قانون دریایی و 108 قانون ثبت، باید اصل را بر تضامنی بودن مسئولیت قرار داد؛ زیرا این روش بیشتر حق زیان‌دیده را تضمین می‌کند و او را با اعسار خوانده مواجه نمی‌کند و به عدالت و مصلحت نزدیک‌تر است (کاتوزیان، 1386: 501).

در مقابل گروهی معتقدند با وجود برخی از موارد خاص مسئولیت تضامنی، نمی‌توان به حکم کلی و قاعده رسید؛ زیرا این قوانین استثنا و مبتنی بر علل خاصی بوده است و ماده 365 قانون مجازات اسلامی (1370) و ماده 533 قانون مجازات اسلامی (1392) به بحث خاتمه داده و مسئولیت تضامنی را نپذیرفته است و اصل را بر توزیع مسئولیت بر اساس میزان مداخله در فرض تفاوت تأثیر سببها گذاشته است (حیاتی، 1393: 107).

در فرانسه قانون‌گذار در ماده 1310 اصلاحیه جدید سال 2016 به صراحت در مسئولیت غیرقراردادی، اصل را بر عدم تضامن گذاشته است. به موجب این ماده تضامن یا قانونی است یا قراردادی (به عنوان اصل کلی تعهدات). تضامن فرض نمی‌شود اما در مسئولیت خارج از قرارداد، فرض بر مسئولیت تضامنی است و زیان‌دیده می‌تواند به هریک از واردکنندگان زیان برای جبران کامل خسارت رجوع کند؛ بنابراین اگر قائل شد که در مسئولیت مدنی غیرقراردادی، اصل بر تضامن است، موجب تفاوت اثر اجرایی حکم صادره علیه عوامل متعدد ورود خسارت خواهد بود و قاضی مکلف است حکم بر محکومیت تضامنی خواندگان صادر کند. اگر دعوی بر مبنای مسئولیت قراردادی طرح شده باشد، در فرض توجه دعوا به خواندگان متعدد، حکم بر محکومیت نسبی آنها صادر خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

منبع مستقیم مسئولیت مدنی قراردادی، قرارداد بوده و منبع مستقیم مسئولیت غیرقراردادی، قانون است. با پذیرش نظریه تعدد مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی، تأثیر این نظریه بر تشریفات دعاوی جبران خسارت مشهود می‌شود. اگر دعوی خسارت بر مبنای مسئولیت قراردادی طرح شده باشد، زیان‌دیده در قالب خواسته‌های «انجام تعهد، اعمال حق فسخ، تقلیل ثمن، مطالبه خسارت ناشی از تأخیر یا عدم اجرای تعهد به نحو مستقل یا همراه با خواسته‌های دیگر» درخواست جبران خسارت می‌تواند از طریق اعاده وی به وضعیت پیش از انعقاد قرارداد یا ایجاد وضعیتی که قرارداد بر اساس تراضی فی‌مابین باید اجرا می‌شد، قرار گیرد. در اینجا سبب و جهت دعوی، عمل حقوقی فی‌مابین خواهان و خوانده است، اما در مسئولیت مدنی غیرقراردادی، زیان‌دیده باید خواسته خویش را در قالب «الزام به جبران عینی مال یا بدلی» و «مطالبه خسارت معنوی از طریق مالی یا حیثیتی»

مطرح کند و سبب و جهت دعوی را با توجه به نوع فعل زیان‌بار، بر قواعد مسئولیت مدنی یا اتلاف و تسبیب استوار سازد.

همچنین در جریان دادرسی، تفاوت مبانی مسئولیت مدنی قراردادی از غیرقراردادی، موجب جریان قواعد دادرسی و تشریفات خاص و متمایزی از جمله ضرورت یا عدم ضرورت مطالبه رسمی خسارت، صلاحیت ذاتی و محلی مراجع رسیدگی به دعاوی خسارت، اعمال قاعده مرور زمان، اعمال قوانین داخلی یا قوانین خارجی در فرض تعارض قوانین می‌شود. از سوی دیگر، از نظر میزان استحقاق زیان‌دیده در خسارت‌هایی که متحمل شده و همچنین نوع مسئولیت خواندگان متعدد در فرض توجه دعوی به آن‌ها، تعدد مسئولیت مدنی مؤثر در تصمیم نهایی دادرس است. برخی معتقدند با وجود قرارداد، امکان توسل به قواعد مسئولیت خارج از قرارداد نیست، اما در مقابل گفته شده است که زیان‌دیده می‌تواند برای جبران کامل خسارت خویش، به هر کدام از این مبانی مراجعه کند، اما به صورت عرف حقوقی، چنانچه خسارت وارد شده به دلیل نقض تعهدات بسیار فاحش بوده و بتوان به راحتی ارتباط آن را با نقض تعهدات به اثبات رساند، می‌توان به موجب قانون مسئولیت مدنی نسبت به جبران کامل خسارت اقدام کرد؛ در غیر این صورت قاعده کلی الزام به عمل به تعهدات می‌تواند کارگشا باشد.

حقوق فرانسه در شناسایی تعدد مسئولیت مدنی، مانند کشورمان بوده و ماهیت مسئولیت مدنی در هر دو نظم حقوقی برابر است، اما تشریفات رسیدگی به هر نوع دعوی اندکی متفاوت است. نظام قضایی فرانسه با الگوبرداری از دیگر کشورهای غربی همچون انگلستان، یکپارچه‌تر از نظام قضایی کشورمان بوده و تنها رتبه‌بندی طولی دادگاه‌ها مدنظر است؛ بدین معنا که ممکن است یک قاضی در شعبه دادگاه، به دعوی حقوقی و کیفری با هم رسیدگی کند. تفکیک دادگاه‌ها در کشور ما، رسیدگی به برخی موضوعات را تا حدودی سخت‌تر می‌کند؛ برای مثال ممکن است در یک دعوی زناشویی، هم جرم کیفری و هم عملی مستوجب مسئولیت مدنی رخ دهد. در حقوق کشور ما دادگاه خانواده جدا از دادگاه حقوقی و کیفری قرار داشته و کسب نظر در مورد صلاحیت رسیدگی اندکی مشکل است، اما در حقوق فرانسه دادگاه می‌تواند به صراحت به مسئله رسیدگی کند. در واقع قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری فرانسه با قوانین مشابه کشورمان تفاوت‌هایی دارد، اما قانون مدنی هر دو کشور، ماهیت مسئولیت مدنی را به صورت یکسان به رسمیت شناخته‌اند. با این اوصاف، نظام

قضایی خاص فرانسه در مورد آثار تعدد مسئولیت مدنی، تأثیرپذیری کمتری دارد، اما نظام حقوقی کشورمان، در جریان دادرسی دعاوی مسئولیت مدنی، نیازمند انرژی و توان بیشتری است. دیگر قوانین جزئی همچون عطف به ماسبق نشدن قوانین و تعارض قوانین داخلی در دو نظام حقوقی تفاوت‌هایی دارد که به نظر می‌رسد قانون‌گذار کشور ما با نظارت قوانین فقهی توانسته است صورتی عادلانه را در قوانین مرتبط قرار دهد.

## فهرست منابع

- بابایی، ایرج (1396)، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آرا و رویه قضایی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول.
- باریکلو، علیرضا (1394)، مسئولیت مدنی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ ششم.
- بزرگمهر، امیرعباس (1395)، ترجمه قانون مدنی فرانسه، تهران: انتشارات مهرانی غزال، چاپ اول.
- حیاتی، علی عباس (1392)، مسئولیت‌های حقوقی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- حیاتی، علی عباس (1393)، «مفهوم اصل احتیاط و جایگاه آن در مسئولیت مدنی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره 2 (15).
- حیاتی، علی عباس (1393)، حقوق خانواده، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- داراب‌پور، مهرباب (1379)، «ارزیابی تطبیقی ایفای عین تعهد»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 30.
- دهخدا، علی اکبر (1395)، فرهنگ لغت، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ چهارم.
- رنجبر، رضا (1385)، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- شیرازی وحدتی، سید حسن (1385)، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- شمس، عبدالله (1386)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر دراک، چاپ اول.
- شهیدی، مهدی (1386)، آثار قراردادهای و تعهدات، تهران: نشر مجد، چاپ سوم.
- شهیدی، مهدی (1388)، سقوط تعهدات، تهران: نشر مجد، چاپ نهم، شماره 166.
- صفائی، سید حسن؛ رحیمی، حبیب‌الله (1397)، حقوق قراردادهای، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.
- عمید، حسن (1395)، فرهنگ لغت، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ پنجم.
- کاتوزیان، ناصر (1368)، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 66، پیاپی 520.
- کاتوزیان، ناصر (1374)، قواعد عمومی قراردادهای، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر (1386)، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- متین‌دفتری، احمد (1394)، آیین دادرسی مدنی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ پنجم.
- محقق داماد، سید مصطفی (1382)، قواعد فقه بخش مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- معین، محمد (1396)، فرهنگ لغت، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول.
- هاشمی، احمدعلی (1389)، دامنه مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ص)، چاپ اول.
- یزدانیان، علی (1395)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- Bell, J., Boyron, S., & Whittaker, S. (2008), *Principles of French law*, Oxford university press.
- Bermann, G. A., & Picard, E. (Eds.), (2008), *Introduction to French law*, Kluwer Law International BV.
- Borghetti, J. S. (2019), "Civil Liability for Artificial Intelligence: What Should its Basis Be?", *La Revue des Juristes de Sciences Po*, (17).
- Bueno, N., & Bright, C. (2020), "Implementing Human Rights Due Diligence Through Corporate Civil Liability", *International & Comparative Law Quarterly*, 69 (4).
- Esmein, P. (1953), "Liability in French Law for Damages Caused by Motor Vehicle Accidents", *The American Journal of Comparative Law*, 2 (2).
- Palombo, D. (2019), "The duty of care of the parent company: A comparison between French law, UK precedents and the Swiss proposals", *Business and Human Rights Journal*, 4 (2).
- Parziale, A. (2019), *Civil liability and Regulation in the European Market for Unauthorized Uses of Medicines*.
- Rodríguez, M. I. T. (2019), *Liability between spouses in modern French Law*.
- Starck, B. (1973), *Foundation of Delictual Liability in Contemporary French Law: An Evaluation and a Proposal*, *TUL. L. Rev.*, 48, 1043.
- Whittaker, S. (2019), "Unfair terms in commercial contracts and the two laws of competition: French law and English law contrasted", *Oxford Journal of Legal Studies*, 39 (2).
- Yazdaniyan, A. (2020), "The scheme of the theory of the unilateral act as a source of obligations in Iran with a comparative study of French law", *Law Quarterly*, 50 (3).